

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: فدریکو پی یراسینی  
برگردان از: آمادور نویدی  
۲۱ نومبر ۲۰۱۷

## چین و روسیه از پترو یوان تا طلا دالر امریکا را به نبرد فرا می خوانند



### زیر سؤال بردن دالر: طرح چین و روسیه از پترو یوان تا طلا

همانگونه که در مقاله قبلی ام (۱) مشاهده شد، قدرت نظامی امریکا در حال کاهش است، و اثرات آن آشکاراند. در دنیای مملو از جنگ که واشنگتن مسبب آن هاست، تغییرات اقتصادی و مالی در حال وقوع، برای بسیاری از کشورهای جهانی که مدت های طولانی منتظرش بوده اند، پیشرفت خوش آیندی دارد.

اگر ما می خواهیم بدانیم که دقیقاً چه چیزی امپریالیسم امریکا و اشتیاقش را جهت هژمونی جهانی تحریک می کند، آن وقت نقش دالر امریکا به طور برجسته نمایان می گردد. بنابراین، به منظور شناسایی عمق اثرات دالر بر اقتصاد جهان لازمست که تحولات ژئوپولیتیکی مهم اتفاق افتاده در چند دهه گذشته را درک کنیم .

دلیلی که دالر چنین نقش مهمی را در اقتصاد جهانی بازی می کند، ناشی از سه عامل اصلی است: دالر نفتی (پترو دالر)؛ دالر به عنوان ارز ذخیره جهان (۲)؛ و تصمیم نیکسون (۳) در سال ۱۹۷۱ که دیگر دالر قابل تبدیل به طلا نباشد. همانگونه که آسان است حدس زد، پترو دالر بشدت در ترکیب سبد حق ویژه اس دی آر (۴) تأثیر گذاشت، دالر را به عنوان ارز ذخیره جهانی تبدیل کرد و مفهوم مهمی را برای اقتصاد جهانی ناشی از تصمیم نیکسون در حذف تبدیل دالر به طلا هجی نمود. برای بقیه جهان اکثر مشکلات از ترکیب این سه عامل آغاز شد.

### دالر- دالر نفتی – طلا

در ۵۰ سال گذشته، بزرگترین تغییر ژئو-اقتصادی، قطعاً در سال ۱۹۷۳، و با توافق (۵) بین اوپک (سازمان کشورهای صادرکننده نفت)، عربستان سعودی و امریکا جهت فروش نفت فقط با دالر امریکا به اجراء درآمد.

به ویژه، نیکسون با ملک فیصل پادشاه سعودی توافق کردند (۶) که تنها دلار به عنوان پول رایج فروش نفت و سرمایه گذاری‌های مرتبط باشد و بدین‌صورت میلیاردها دلار اضافی را به سیاهه خزانه داری امریکا و دیگر منابع مالی متکی بر دلار بازیافت کردند. در عوض، عربستان سعودی و دیگر اعضای اوپک تحت حمایت نظامی امریکا قرار گرفتند. این یادآور توافقی به سبک مافیائی است: سعودی ها موظفند با اندکی استدلال، با دلار امریکائی و با مدت زمان و شرایطی که امریکا تنظیم می‌کند، تجارت کنند و در عوض از حفاظت سخاوت‌مندانه امریکا برخوردار شوند.

عامل دوم، که شاید حتی اهمیت بیشتری برای اقتصاد جهانی دارد، اینست که دلار ارز ذخیره جهانی شده است و از سال ۱۹۸۱ نقش برجسته ای در سبد ذخایر ارز خارجی بین المللی صندوق بین المللی پول (آی ام اف) داشته است. نقش دلار، که بوضوح به تجارت دلار نفتی مرتبط است، تقریباً همیشه سهمی بیش از ۴۰٪ از سید اس دی آر (۸) را حفظ کرده است، در حالی که یورو سهم ثابت ۲۹٪ - ۳۷٪ را از سال ۲۰۰۱ حفظ نموده است. جهت درک تغییرات اقتصادی در حال گردش، کافیست که ملاحظه کنیم که یوان بالاخره در حال حاضر، با سهم اولیه ۱۰٪ (۸) شامل سبد اس دی آر است که بلافاصله بالاتر از یین (۳/۸٪) و استرلینگ (۰۹/۸٪) است، اما به طور قابل توجهی کمتر از دلار (۴۱٪) و یورو (۳۱٪) است. ارز یوان به آرامی، اما به میزان قابل توجهی بیشتر و بیشتر در تجارت جهانی استفاده می‌شود.

دلیلی که چرا امریکا قادر شده است تا تقاضای جهانی برای دلار را تحریک کند، به نیاز کشورهای دیگر به داشتن دلار برمی‌گردد که بتوانند قادر به خرید نفت و دیگر کالاها شوند. برای مثال، اگر یک شرکت بولیوی کیله-موز- به ناروی صادر کند، روش پرداخت به استفاده از دلار نیاز دارد. بنابراین، ناروی باید دارای ارز امریکائی خود باشد تا بتواند پرداخت کند و کالاهای خریداری شده را دریافت نماید. و به همین صورت، دلرهائی را که بولیوی دریافت می‌کند، جهت خرید نیازمندی‌های دیگر، مانند نفت از ونزوئلا مورد استفاده قرار می‌گیرند. این ممکنست که باورکردنی نباشد، اما در عمل تمام کشورها تا چند سال پیش از دلار امریکا جهت تجارت در میان خود استفاده می‌کردند، حتی کشورهائی که ضدامریکائی (۹) و علیه سیاست‌های امپریالیستی امریکا بودند.

ادامه استفاده از دلار اثرات مخربی بر جهان داشته است. قبل از هرچیز، استفاده شدید از ارز امریکائی، که به تصمیمات نیکسون مرتبط است، یک استاندارد اقتصادی بر مبنای دلار ایجاد کرده است که سریعاً جای‌گزین فلزاتی مانند طلا شد، که سال‌ها برای اقتصاد جهانی استاندارد بوده است. این امر موجب بی ثباتی عمده و سیستم اقتصادی شده است که در سال‌های متعاقب آن سیاست‌های مالی فاجعه باری ایجاد کرد، همان‌گونه که برای مثال در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۸ مشاهده شد. منبع اصلی قابل اعتماد از طلا به دلار، و به ویژه به سیاهه خزانه داری امریکا تغییر یافت. این تغییر عمده به فدرال رزرو (صندوق ذخیره فدرال) اجازه داد تا دلار را عملاً بدون هیچ محدودیتی چاپ کند (همانگونه که در سال‌های اخیر دیده شده اند کسانی با نرخ بهره - در حدود ۰٪ از فید - اف ای دی قرض گرفته اند)، و بخوبی آگاهند که تقاضا برای دلار هرگز متوقف نمی‌شود، همچنین بخش‌های بزرگ شرکت‌های خصوصی و دولتی را حفظ می‌کنند (مانند صنعت فراکینگ) (۱۰). این مسیری برای سیستم اقتصاد جهانی مبتنی بر ابزارهای مالی مانند سهام، نرخ بهره، اوراق قرضه، کالاهای، ارزها و شاخص‌های بازار (۱۱) و دیگر اوراق بهادار را به جای کالاهای واقعی و ملموس مانند طلا تنظیم نمود. امریکا با انجام این‌کار جهت منافع خود، شرایطی را برای ایجاد یک حساب مالی جدید فراهم کرده است که چنانچه بترکد، می‌تواند حتی منجر به سقوط کل اقتصاد جهانی شود.

امریکا خود را در موقعیت رشک آوری یافت که قادر می‌شود تکه‌های کاغذ را (بسادگی آی او) (۱۲) چاپ کند، بدون این‌که هیچ حمایتی از طلا داشته باشد و سپس آن‌ها را با کالاهای واقعی مبادله کند. این توافق اقتصادی به واشنگتن اجازه داده است تا به یک مرکزیت ستراتیژیک بی نظیر علیه رقبای ژئوپولیتیک خود (در ابتداء اتحاد جماهیر شوروی

سوسیالیستی، و اکنون روسیه و چین) دسترسی یابد، یعنی، عملاً ظرفیت هزینه نامحدود دلار را دارد، حتی در حالی که بدهی ملی نجومی (حدود ۲۱ تریلیون دلار) روی هم انباشت می‌کند. عامل بی ثباتی اقتصاد جهانی توانایی واشنگتن جهت انباشت مقادیر زیاد بدهی ملی و آشکار است، بدون این که هیچ نگرانی درباره عواقب آن و یا حتی هرگونه عدم اعتماد احتمالی به بازارهای بین المللی برای دلار داشته باشد. کشورها بسادگی به دلار جهت تجارت و خرید به گنجینه (دلار) امریکا نیاز دارند تا دارایی های مالی خودشان را متنوع کنند.

ادامه استفاده از دلار به عنوان وسیله پرداخت تقریباً هر چیزی، مرتبط به ظرفیت تقریباً بی نهایت فید (اف ائی دی) جهت چاپ پول و وزارت خزانه داری برای صدور اوراق قرضه، منجر به آن شده است که دلار به عنوان اولین پناهگاه امن برای سازمان‌ها، کشورها و افراد تبدیل گردد و به این سیستم مالی فاسد که برای دهه ها بر صلح جهانی تأثیر گذاشته، مشروعیت بخشند.

### دلار و جنگ: پایان؟

مشکلات امریکا در اواخر سال‌های ۱۹۹۰ (۱۳)، در زمان گسترش امپراتوری امریکا و متعاقب فروپاشی (تخریب - م) اتحاد جماهیر شوروی شروع شد. هدف ژئوپولیتیک اعلام شده، دسترسی به هژمونی جهانی بود. با ظرفیت هزینه نامحدود و یک ایدئولوژی برمبنای استثنائگرایی (استثنائی بودن امریکائی)، این تلاش به نظر می‌رسید که در دسترس سیاست‌گذاران در پنتاگون و وال استریت بوده است. عنصر کلیدی هژمونی جهانی شامل متوقف ساختن چین، روسیه و ایران از ایجاد منطقه ادغام یوروآسیائی بود. برای چندین سال، و به دلایل گوناگون، این سه کشور همچنان در مقیاس وسیع با دلار امریکائی تجارت می‌کردند، و به دیکته های اقتصادی سیستم مالی متقلب و فریبکاری گردن نهادند که به نفع امریکا بود. چین نیاز داشت تا همچنان در نقش خود در تبدیل شدن به کارخانه جهانی، همواره پرداخت های دلاری و خرید صدها میلیاردی سیاهه های خزانه داری امریکا را قبول کند. با پوتین، روسیه تقریباً بلافاصله شروع به دالرزدائی کرد، قروض خارجی را با دلار (۱۴) برگرداند، تلاش نمود تا این فشار اقتصادی را بردارد. امروز روسیه یکی از کشورهایی در جهان با حداقل مقدار قرض دولتی و خصوصی اختصاص داده شده به دالرست، و ممنوعیت اخیر استفاده از دلار امریکائی در بنادر روسیه، آخرین نمونه (۱۵) است. برای ایران (۱۶)، مشکل همیشه با تحریم ها مطرح شده است، و انگیزه های بزرگی را جهت دور زدن دلار و پیدا کردن روش‌های جای‌گزین جهت پرداخت ایجاد نموده است.

عامل تعیین کننده ای که قوه درک کشورهایی مانند چین و روسیه را تغییر داد، بحران مالی سال ۲۰۰۸، و همچنین افزایش تهاجم امریکا از زمان حوادث یوگسلاوی در سال ۱۹۹۹ بود. جنگ عراق، همراه با عوامل دیگر، مانع صدام از شروع تجارت نفت با یورو (۱۷) شد، که هژمونی مالی دلار را در خاورمیانه تهدید می‌کرد. جنگ و ادامه حضور امریکا در افغانستان (۱۸)، بر تصمیمات واشنگتن مبنی بر ادامه محاصره چین، روسیه و ایران و به منظور جلوگیری از هر ادغام اوراسیائی تأکید دارد. طبیعتاً، هرچه که دلار در جهان بیش‌تر مورد استفاده قرار گیرد، واشنگتن قدرت بیش‌تری جهت هزینه برای ارتش دارد. برای این که امریکا بتواند یک صورت‌حساب ۶ تریلیون دلاری (این هزینه جنگ‌ها در عراق و افغانستان است) را بدون دردمر بردازد، این امتیاز بی نظیری نسبت به کشورهایی مانند چین و روسیه است که هزینه های نظامی (۱۹) آن‌ها در مقایسه با امریکا به ترتیب یک پنجم و یک دهم است.

تلاش‌های مکرر شکست خورده جهت تسخیر، سرنگونی و کنترل کشورهایمانند افغانستان، گرجستان، عراق، لیبیا، سوریه، دونباس، کوریای شمالی، مصر، تونس، یمن و ونزویلا، تأثیرات مهمی بر قوه ادراک قدرت نظامی

امریکا داشته است. با برگشت شبه جزیره کریمه به روسیه بدون این که تیری شلیک شود و یا این که غرب بتواند عکس العملی بکند، از نقطه نظر اصطلاح نظامی، واشنگتن با شکست های تاکتیکی و ستراتیژیک بسیار زیادی روبه رو گشته است. در دونباس، مقاومت خسارات عظیمی بر ارتش اوکراینی تحت حمایت ناتو تحمیل کرده است. در شمال افریقا، در مصر پس از تلاش جهت تبدیل کشور به دولتی تحت کنترل اخوان المسلمین، اکنون تحت کنترل ارتش است. لیبیا، پس از این که نابود شد، اکنون به سه نهاد تقسیم شده است و مانند مصر به نظر می رسد که با نظر مساعدی (۲۰) نسبت به مسکو و بیجینگ نگاه می کند. در خاورمیانه، سوریه، ترکیه، ایران و عراق به طور فزاینده ای جهت ثبات جنگ های منطقه ئی همکاری می کنند، و جایی که نیاز باشد آن ها با قدرت نظامی روسیه و قوه اقتصادی چین حمایت می شوند. و البته جمهوری دموکراتیک خلق کوریا همچنان تهدیدات نظامی امریکا را نادیده می گیرد و به طور کامل سلاح های بازدارندگی متعارف و هسته ئی خود را توسعه داده، و به طور مؤثری تهدیدات امریکا را باطل و بی اثر می کند. انقلابات رنگی، جنگ ترکیبی، تروریسم اقتصادی، و تلاش های پروکسی (نیابتی) جهت بی ثبات ساختن این کشورها اثرات مخربی بر اعتبار و اثربخشی ارتش واشنگتن گذاشته است. امریکا خود را به گونه ای می بیند که در نظر بسیاری از کشورها دارای دستگاه های عظیم جنگی است و تلاش می کند هر چیزی که دلش می خواهد به دست بیاورد، تلاش می کند تا به اهداف مشترک منسجم دسترسی یابد، ولی حتی علی رغم برتری نظامی بسیار زیاد خود، فاقد توانائی لازم جهت کنترل کشورهایی مانند عراق و افغانستان است.

### هیچ کسی از شما نمی ترسد!

تا چند دهه قبل، هر ایده ای که می خواست از پترودالر دور شود، به عنوان تهدیدی مستقیم علیه هژمونی جهانی امریکا بود، و به یک پاسخ نظامی نیاز داشت. در سال ۲۰۱۷، با توجه به کاهش اعتبار امریکا به علت راه انداختن جنگ ها علیه کشورهای کوچک تر (کشورهائی مانند روسیه، چین و ایران را کنار می گذاریم که دارای آن گونه توانائی های نظامی هستند که امریکا به مدت بیش از هفتاد سال با آن ها مواجه نشده است)، یک رکود اقتصادی همگانی از سیستم مبتنی بر دالر در بسیاری از کشورها به وقوع پیوست.

در سال های اخیر، برای بسیاری از کشورهای مخالف واشنگتن روشن شده است که تنها راه لازم جهت مهار امپراتوری در حال سقوط امریکا، حذف تدریجی دالر (از سبد ارزی) ست. این در خدمت محدود کردن توانائی واشنگتن جهت هزینه های نظامی با ایجاد ابزارهای جایگزین در عرصه های مالی و اقتصادی است که برتری واشنگتن را حذف می کند. این در ستراتیژی روسیه – چین – ایران ضرورت دارد که اوراسیا را متحد کنند و بدین وسیله امریکا را غیرضروری سازند.

دالرزدائی برای بیجینگ، مسکو و تهران به یک اولویت ستراتیژیک تبدیل گشته است. حذف ظرفیت نامحدود هزینه کردن فید و اقتصاد امریکا به معنای محدود کردن بسط امپریالیستی امریکا و تضعیف بی ثباتی جهانی است. بدون قدرت نظامی معمولی امریکا جهت تقویت و تحمیل استفاده از دالر امریکائی، چین، روسیه و ایران مسیر را برای تغییرات مهم در نظم جهانی آماده کرده اند.

امریکا با تسریع این روند از طریق حذف ایران از سیستم سوئیفت (۲۱) و تحمیل تحریمات بر کشورهایی مانند روسیه، ایران و ونزوئلا، به پای خودش شلیک کرد و [راه را برای جایگزین چینی، معروف به سی آی پی اس (۲۲) فراهم ساخت]. این همچنین باعث تسریع (۲۳) چین و روسیه در استخراج معادن و استفاده از طلای فزینی گشت، که در تضاد مستقیم با موقعیت امریکا، با شایعاتی ست (۲۴) که فید دیگر هیچ طلائی در مالکیت خود ندارد. این به هیچ وجه

محرمانه نیست که بیجینگ و مسکو به دنبال ارز حمایت شده توسط طلا هستند، چنانچه زمانی دالر سقوط کند. این شرایط کشورهایی را که به خواست‌های امریکا تسلیم نشده‌اند، مجبور کرده است که از ارزهای دیگری غیر از دالر و از سیستم‌های مالی جایگزین استفاده کنند.

مثال روشن از چگونگی انجام آن را می‌توان با عربستان سعودی دید، که معمای پترودالر را بیان کرده است.

### دالرزدانی

بیجینگ فشار زیادی بر ریاض وارد کرده است که برای نفت پرداخت با یوان (۲۵) را به جای دالر بپذیرد، همان‌گونه که کشورهای دیگری مانند فدراسیون روسیه فشار آورده‌اند. برای ریاض، این تقریباً یک مسأله حیاتی است. ریاض در موقعیت حساسی قرار دارد، خود را وقف کرده که دالر امریکائی را به نفت وابسته سازد، حتی اگرچه متحد اصلی او، امریکا در خاورمیانه یک ستراتیژی متضاد را دنبال کرده، همان‌گونه که در توافق برجام مشاهده شده است. ایران، دشمن اصلی منطقه‌ی عربستان سعودی، قادر شد که تحریم‌ها (به ویژه از طرف کشورهای اروپائی) به لطف برجام برداشته شوند. به علاوه، قادر شد که با متحدان خود در سوریه یک پیروزی تاریخی را به دست آورد، نقش برجسته‌ای در منطقه کسب کند و امیدوار است که به یک قدرت منطقه‌ی تبدیل گردد. ریاض موظف است که از امریکا، متحدی اطاعت کند که نگران سرنوشت آن در منطقه نیست (ایران نفوذ خود را در عراق، سوریه و لبنان افزایش داده است) و حتی در بازار نفت رقابت (۲۶) می‌کند. چیزی که مشکلات را برای واشنگتن بدتر می‌کند، چین بزرگترین خریدار نفت ریاض است؛ و با توجه به توافقات با نیجریه و روسیه، بیجینگ می‌تواند با اطمینان خاطر خرید نفت از عربستان سعودی را متوقف کند چنانچه ریاض همچنان به دریافت هزینه نفت فقط با دالر اصرار ورزد. این صدمات بدی به پترودالر، به سیستمی فاسد وارد می‌سازد که بیش از همه به چین و روسیه آسیب می‌رساند.

برای چین، ایران و روسیه، همچنین کشورهای دیگر، دالرزدانی به یک موضوع عاجل تبدیل شده است. شمار کشورهای که شروع به مشاهده مزایای سیستم دالرزدانی کرده‌اند، در حالی که مخالف سیستم دالر امریکائی هستند، افزایش می‌یابد. ایران و هند (۲۷)، بلکه ایران و روسیه (۲۸)، اغلب هیدروکربن‌ها را با کالاهای اولیه مبادله کرده‌اند، بدین‌وسیله تحریمات امریکا را دور زده‌اند. به همین صورت، قدرت اقتصادی چین اجازه داده است که یک خط اعتباری ۱۰ میلیارد یورویی (۲۹) باز کند که ایران بتواند از تحریمات اخیر سرپیچی کند. حتی به نظر می‌رسد که جمهوری دمکراتیک خلق کوریا از سازمان سری و مخفی ارزی (۳۰) مانند بیتکوین استفاده می‌کند که نفت را از چین بخرد و تحریمات امریکا را دور بزند. ونزوئلا (۳۱) (با بزرگترین ذخایر نفت در جهان) تازه شروع به یک حرکت تاریخی کرده است تا کاملاً فروش نفت با دالر را رد کند و اعلام نموده است که شروع به دریافت پول در سبد ارزهایی بدون دالر امریکائی خواهد نمود. (این لازم به ذکر نیست که بزرگترین تغییر در ۴۰ سال گذشته اتفاق افتاده است) (۳۲). بیجینگ گاز و نفت را با پرداخت یوان از روسیه می‌خرد، و مسکو قادرست که یوان را بلافاصله به لطف بورس انرژی بین‌المللی شانگهای به طلا تبدیل کند. این مکانیزیم گاز-یوان - طلا (۳۳) اشاره به یک تغییر اقتصادی انقلابی از طریق حذف تصاعدی دالر از تجارت دارد.

در مقاله بعدی، ما متمرکز خواهیم شد بر این‌که چقدر روسیه، ایران و چین در ایجاد یک نظم جهانی چندقطبی با هدف مهار مسالمت‌آمیز امپراتوری در حال سقوط امریکا موفق بوده‌اند و چگونه این نظم جهانی جایگزین، یک چشم‌انداز ژئوپولیتیک جدید را برای متحدان امریکا و دیگر کشورها باز می‌کند.

### درباره نویسنده:

فدریکو پی پرراسینی، نویسنده ای آزاد و مستقل است که متخصص در امور بین المللی، جنگ‌ها، سیاست‌ها و ستراتیژی هاست.

### برگرداننده شده از:

آنلاین ژورنال بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

Challenging the Dollar: China and Russia's Plan from Petroyuan to Gold By FEDERICO PIERACCINI | 04.10.2017

<https://www.strategic-culture.org/news/2017/10/04/challenging-dollar-china-russia-plan-from-petroyuan-gold.html>

### منابع:

(۱)

*previous article*

(۲)

world reserve currency

(۳)

Nixon's decision

(۴)

SDR basket

حقوق طراحی ویژه: روش حل و فصل پرداخت بدهی های بین المللی از طریق صندوق بین المللی پول

Method of settling international debts by way of IMF

[https://en.wikipedia.org/wiki/Special\\_drawing\\_rights](https://en.wikipedia.org/wiki/Special_drawing_rights)

(۵)

agreement

(۶)

arranged

(۷)

SDR basket

حقوق طراحی ویژه: روش حل و فصل پرداخت بدهی های بین المللی از طریق صندوق بین المللی پول

Method of settling international debts by way of IMF

[https://en.wikipedia.org/wiki/Special\\_drawing\\_rights](https://en.wikipedia.org/wiki/Special_drawing_rights)

(۸)

10% share

(٩)

countries that were anti-American

(١٠)

fracking industry

the process of injecting liquid at high pressure into subterranean rocks, boreholes, etc., so as to force open existing fissures and extract oil or gas.

(١١)

What is a 'Derivative'

with a price that is dependent upon or derived from one or more security. A derivative is a . The derivative itself is a contract between two or more parties based upon assets underlying the asset or assets. Its value is determined by fluctuations in the underlying asset. The most and interest rates, currencies, commodities, bonds, stocks common underlying assets include . market indexes

DerivativeRead

more:

<https://www.investopedia.com/terms/d/derivative.asp#ixzz4yMT1yVo6>

(١٢)

(simply IOU's)

<https://en.wikipedia.org/wiki/IOU>

An **IOU** (abbreviated from the phrase "**I owe you**")<sup>[1][2]</sup> is usually an informal document in that an IOU is not a promissory note. An IOU differs from a debt acknowledging and does not specify repayment terms such as the time of repayment. negotiable instrument IOUs usually specify the debtor, the amount owed, and sometimes the creditor. IOUs may be signed or carry distinguishing marks or designs to ensure authenticity. In some cases, IOUs , currency may be redeemable for a specific product or service rather than a quantity of

<sup>[citation needed]</sup> . scrip constituting a form of

(١٣)

began in the late 1990s

(١٤)

foreign debts in dollars

(١٥)

latest example

(١٦)

Iran

(١٧)

oil trade in euro

(۱۸)

Afghanistan

(۱۹)

military spending

(۲۰)

looking with favorable

(۲۱)

سیستم سوئیفت

SWIFT system

. It is a Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunications SWIFT stands for the messaging network that financial institutions use to securely transmit information and instructions through a standardized system of codes.

<https://www.investopedia.com/articles/personal-finance/050515/how-swift-system-works.asp>

(۲۲)

CIPS

(۲۳)

accelerated

(۲۴)

rumors

(۲۵)

yuan payments for oil

(۲۶)

competing

(۲۷)

,Iran and India

(۲۸)

Iran and Russia

(۲۹)

10-billion-euro

(۳۰)

cryptocurrencies

(۳۱)

Venezuela



(۳۲)

biggest change to have occurred in the last 40 years

(۳۳)

gas-yuan-gold